

معرفی و نقد کتاب

ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

دکتر محمد حسین افشردی

تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ، ۱۳۸۱: ۵۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۶/۵

تاریخ تأیید: ۱۳۸۷/۶/۱۶

مقدمه

نگارنده این کتاب تلاش می‌کند بر اساس درک مناسبی که از محیط جغرافیایی منطقه قفقاز جنوبی دارد؛ نقش عوامل جغرافیای طبیعی و انسانی تأثیرگذار بر منطقه را بررسی و الگوهای مناسبی را برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد کند. در این کتاب مباحث ذیل به صورت اساسی مطرح شده است:

۱- بررسی عوامل ژئوپلیتیکی قفقاز

از ویژگی‌های ژئوپلیتیکی کشورهای قفقاز - به جز گرجستان محصور بودن آنها در خشکی و به اصطلاح بری بودن آنهاست (توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورهای بدون ساحل). محصور در خشکی عمدتاً در گرو دسترسی آنان به دریاهای آزاد از طریق خطوط مواصلات ترانزیتی کشورهای مجاور ساحلی می‌باشد. فروپاشی شوروی و استقلال کشورهای منطقه قفقاز و آسیای مرکزی سبب بی‌نظمی‌های ژئوپلیتیکی شده که این مسئله در منطقه و جهان اثرگذار می‌باشد. یکی از موارد این بی‌نظمی مرزبندی‌های نامناسب سیاسی بین این کشورهاست، قفقاز منطقه‌ای است کوهستانی در جنوب غربی روسیه و شمال غربی ایران که از غرب به دریای سیاه و آزوف، از جنوب غربی به ترکیه و از مشرق به دریای مازندران محدود می‌شود. سلسله ارتفاعات قفقاز بزرگ، این منطقه را به دو نیمه جنوبی شامل آذربایجان، ارمنستان و گرجستان و نیمه شمالی شامل جمهوری‌های خودمختار فدراسیون روسیه که به ترتیب از شرق به غرب عبارت از جمهوری‌های خودمختار داغستان، چچن، اینگوش، اوستیای شمالی،

کاباردابالکار، قاراچای، چرکس و آدیگه می‌باشند تقسیم نموده است. همچنین موقعیت قفقاز نسبت به آسیا و اروپا این چنین است که: قفقاز از نظر موقعیت نسبت به آسیا، در جنوب غربی این قاره و نسبت به اروپا در جنوب شرقی این قاره واقع شده است و از نظر محض جغرافیایی، قفقاز در قاره آسیا واقع می‌شود. زیرا با نگاهی اجمالی به نقشه جهان در می‌یابیم که قاره‌های آسیا و اروپا به ترتیب از سمت شمال به جنوب به وسیله کوه‌های اورال، دریای مازندران، کوه‌های قفقاز بزرگ، دریای سیاه و مدیترانه از همدیگر جدا می‌شوند و در حقیقت عوارض جغرافیایی فوق مرز دو قاره را تعیین می‌کنند. بنابر این قفقاز نیز به جهت پیوستگی طبیعی با آسیا از نظر جغرافیایی در قلمرو این قاره واقع شده است ولی از نظر سیاسی، جمهوری‌های آذربایجان، ارمنستان و گرجستان بنا به درخواست خود و پذیرش شورای اروپا جزو آن قاره محسوب شده و به عضویت شورای مذکور پذیرفته شده‌اند. قفقاز از نظر شکل تقریباً به یک مستطیل ولی با اضلاع نامتناسب شبیه می‌باشد و گسترش آن عمدتاً در جهت طول جغرافیایی است. حداکثر طول آن ۹۰۰ حداقل ۶۷۰ و به طور متوسط حدود ۷۰۰ کیلومتر است. حداکثر عرض آن نیز ۴۰۰ حداقل ۱۴۰ و به طور متوسط حدود ۲۶۰ کیلومتر است. چنانچه قفقاز جنوبی یک واحد یکپارچه سیاسی می‌بود این شکل به لحاظ توسعه و دفاع وضعیتی مناسب را به آن می‌بخشید لیکن وجود سه واحد سیاسی مجزا با رویکردهای سیاسی متفاوت و تنوع قومی فراوان این نقطه قوت را بی‌اثر نموده است. کشور آذربایجان شبیه به یک ستاره دریایی با شش بازوست (جدایاز بخش مجزای نخجوان) که تنها یک بازوی آن (پیشرفتگی شبه جزیره آبشرون در دریای مازندران) محصول تحمیل طبیعت است و بقیه نتیجه نحوه تقسیم سیاسی و تفکیک سرزمین کشورهای همجوار از یکدیگر است. چنین وضعیت نامساعدی در شکل‌گیری خطوط مرزی باعث آسیب‌پذیری‌های فراوان دفاعی و امنیتی گردیده و جبران آن مستلزم به کارگیری نیروی بیش‌تر نظامی و مرزبانی است، ضمن این که در شرایط حاضر و به دنبال تصرف منطقه قره باغ و اطراف آن توسط ارمنه، منطقه با اهمیت گنجه و بخش مهمی از مرز مشترک آذربایجان با گرجستان در خطر محاصره قرار

گرفته است. کشور ارمنستان تقریباً شبیه به یک هرم ناقص است که رأس آن را مرز با ایران و قاعده آن را مرز با گرجستان و ترکیه تشکیل داده است. عدم تناسب طول کشور با عرض آن (کمی عرض نسبت به طول) به خصوص در نیمه جنوبی باعث آسیب‌پذیری کشور گردیده و به نظر می‌رسد آرامنه با تصرف و ضمیمه‌سازی قره‌باغ کوهستانی و اطراف آن عملاً توانسته‌اند شکل کشور را به یک مستطیل با عرض و طول متناسب تبدیل کنند. کشور گرجستان نیز مجدداً به مثلثی شباهت دارد که رأس آن را مرز با آذربایجان، قاعده آن را سواحل کشور در کنار دریای سیاه، قاعده شمالی را مرز با کشور روسیه و قاعده جنوبی را مرز مشترک با سه کشور آذربایجان، ارمنستان و ترکیه فرا گرفته است. چنین شکلی از جهت جغرافیایی وضع مناسبی را برای گرجستان فراهم آورده لیکن در شرایط حاضر با توجه به عدم تسلط حکومت مرکزی بر آبخازیا در شمال غرب، اوستیای جنوبی در شمال و آجارستان در جنوب غربی، عملاً وضعیت نامناسبی برای گرجستان بوجود آمده است.

۲- بررسی روابط ایران با کشورهای منطقه قفقاز

نگارنده بخش عمده‌ای از کتاب خود را به روابط ایران و کشورهای منطقه اختصاص داده و اشاره می‌دارد که روابط ایران و آذربایجان قبل از هر اختلاف دیگری اختلاف‌های ایدئولوژیکی عمیقی بین تهران و باکو وجود دارد. همانند ایران، آذربایجان یک کشور با اکثریت شیعه است، ولی دولت آذری یک دولت سکولار است، در حالی که از فوریه ۱۹۷۹، ایران بصورت حکومت جمهوری اسلامی می‌باشد. در عرصه بین‌المللی، باکو به دنبال پیوندهای نزدیکتری با غرب بوده و متمایل به ناتو و در حال گسترش روابط خود با ایالات متحده است و روابط خوبی نیز با اسرائیل دارد و خود را به ترکیه بسیار نزدیک حس می‌کند. به همان اندازه که آذربایجان به غرب علاقه‌مند است، ایران از آن متفر است و در یک بلوک ضد آمریکایی قرار می‌گیرد. انتقاد از «تکبر شیطان بزرگ» و پی‌گیری سیاستی ضد اسرائیلی و حمایت از حقوق فلسطینی‌ها، سیاست خارجی ایران را تشکیل می‌دهد. در قفقاز نیز با روسیه به طور نزدیک همکاری دارد و از اواسط دهه

۱۹۹۰، روابط دشواری با ترکیه داشته است. وجود اختلاف‌های ایدئولوژیک در سیاست‌های دو کشور، ایران برای نزدیکی میان آنها مشکلاتی ایجاد می‌کند و سبب بروز اختلاف‌های بین کشورهای همسایه است. به دلیل این اختلاف‌نظرها، دو کشور، دو راهبرد جداگانه را در پیش گرفته‌اند که حتی برخی اوقات به منافع خود آنها نیز لطمه می‌زند. برای آذربایجان مشکل است، سیاستی را در پیش گیرد که موقعیت جغرافیایی این کشور را نادیده بگیرد و برای ایران نیز پیش گرفتن سیاستی که حمایت روسیه را در برداشته باشد نه لازم است و نه مفید. مسکو بهره‌های زیادی از انزوای ایران در جهت تقویت موقعیت‌اش در منطقه برده است. نگارنده در باب روابط ایران و ارمنستان می‌نویسد: اگر ارمنی‌ها در ایران قدرتی برای توازن فعالیت ترکیه در قفقاز کوچک می‌بینند و با آن، اختلاف تاریخی و ارضی ندارند، ایرانی‌ها نیز به سهم خود ارمنستان را سپری در برابر تأثیر ترکیه بر مرزهای شمال غربی خود، حتی در برخی جمهوری‌های آسیای میانه که اقلیت‌های بزرگ ارمنی زندگی می‌کنند می‌بینند.

به علاوه برقراری پیوندهای نزدیک با ایران، تهران بدون شک به دنبال جلب حمایت اقلیت‌های ارمنی پراکنده در اروپا، آمریکا و روسیه است. با توجه به این امر، نزدیکی ایران در ارمنستان امکان تثبیت یک اتحاد غیررسمی بین روسیه و ایران را موجب می‌شود. روابط ایران و ارمنستان بر گسترش روابط اقتصادی ایران و ارمنستان تأثیر مثبت می‌گذارد. ایران نزدیک‌ترین شریک تجاری ارمنستان است و ارتباطات زمینی و هوایی دو کشور آشکارا در چند سال اخیر گسترش یافته و همراه با صدور کالاهای مصرفی، ایران در صدد تأمین برق، گاز و نفت ارمنستان نیز برآمده است. در نوامبر ۲۰۰۱ دو کشور موافقت‌نامه‌ای امضا کرده‌اند که واردات گاز ترکمنستان به ایران را از مسیر ایران ممکن می‌سازد و می‌تواند سبب همبستگی اقتصادی بیشتر دو کشور شود. اما در مورد روابط ایران و گرجستان می‌نگارد: در پایان فوریه ۲۰۰۲، ورود تعدادی کارشناس نظامی آمریکایی به گرجستان برای کمک به تفلیس در جنگ این کشور علیه تروریسم در دره پانکیسی که حضور اعضای القاعده در آنجا گزارش شده بود، می‌تواند سبب مختل شدن روابط دوجانبه ایران و گرجستان شود؛ چراکه ایرانیان نگرانند که پس از

«تثبیت» آمریکایی‌ها در افغانستان و در پایگاه‌های مختلف آسیای میانه، محاصره آنان از سوی نظامیان آمریکایی که در حال حاضر در خلیج فارس و از طریق NATO در ترکیه نیز حضور دارند، کامل شود. طولانی شدن حضور نظامیان آمریکایی در گرجستان تنها می‌تواند سبب ناخشنودی تهران شود.

۳- مباحث مطرح شده در کتاب

این کتاب در پنج فصل تنظیم شده که فصل اول کتاب که با عنوان "مروری تحلیلی بر نظریه‌ها، دیدگاه‌ها و مفاهیم اساسی" می‌باشد مشتمل بر ۶ بخش می‌باشد که عبارت است از: ۱- ژئوپلیتیک، ۲- ژئواستراتژی، ۳- استراتژی، ۴- سیاست خارجی، ۵- سیاست و استراتژی ژئوپلیتیک، ۶- روش تحلیل ژئوپلیتیک که نویسنده در هر بخش به تعریف مفاهیم پرداخته و در بخش ششم سعی می‌نماید روش تحلیل خود را ارائه نماید. بررسی عوامل ژئوپلیتیک عنوان دومین فصل کتاب حاضر می‌باشد. که در سیزده بخش به معرفی و توضیح منطقه قفقاز جنوبی می‌پردازد.

فصل دوم این کتاب با اشاره به مسائل مختلف ژئوپلیتیک در منطقه تمام مسائل مختلف از قبیل مسائل مربوط به جغرافیای طبیعی و انسانی، ساخت حکومت‌ها و شکاف‌های موجود در منطقه را اشاره می‌نماید و سعی می‌کند تصویر مناسبی از منطقه را به خواننده ارائه کند.

فصل سوم کتاب با عنوان "بررسی روابط ایران با کشورهای منطقه قفقاز" می‌باشد. همان‌طور که از اسم این فصل بر می‌آید نگارنده تلاش می‌کند تاریخ روابط ایران و منطقه قفقاز جنوبی را اشاره نماید. این فصل در سه بخش که عبارت است از:

۱- جایگاه قفقاز در سیاست‌های گذشته ایران،

۲- روابط ایران و شوروی از منظر تهدید امنیت ملی،

۳- ایران و قفقاز پس از کمونیسم که به تاریخچه، موضوعی آن می‌پردازد.

این فصل با توجه به موضوع کتاب در جهت پرداختن به روابط ایران به کشورهای منطقه می‌باشد و تاریخچه این ارتباط را از زمان پادشاهان نخستین ایرانیان اشاره کرده و تا به

امروز ادامه می‌دهد و در بخش سوم به تفکیک به بررسی روابط ایران با سه کشور منطقه پرداخته است.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها و ارزیابی فرضیه‌های تحقیق عنوان چهارمین فصل این کتاب می‌باشد که دو بخش را به خود اختصاص می‌دهد:

جایگاه منطقه قفقاز (پس از فروپاشی شوروی) در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران،

بررسی نقش مثبت و ویژگی‌های ژئوپلیتیکی منطقه قفقاز در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.

در این فصل نویسنده همان‌طور که از انتخاب عنوان فصل بر می‌آید به تجزیه و تحلیل داده‌های انبوهی می‌پردازد که در دو فصل گذشته ذکر کرده است و سعی می‌نماید تأثیر ژئوپلیتیک منطقه قفقاز بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را ذکر کرده و تأثیر منازعات محلی و رقابت‌های بین‌المللی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز را اشاره نماید و در پایان فصل تلاش می‌کند استراتژی متناسب با ژئوپلیتیک منطقه قفقاز برای جمهوری اسلامی ایران را اشاره نماید تا خواننده را برای ارائه پیشنهادها و راهبردهای خود آماده سازد.

فصل پنجم کتاب با عنوان "الگوهای مناسب پیشنهادی برای سیاست خارجی ایران در منطقه قفقاز" و مشتمل بر چهار بخش می‌باشد که عبارتند از:

- ۱- استراتژی پیشنهادی برای سیاست خارجی ایران در منطقه قفقاز،
- ۲- استراتژی پیشنهادی برای سیاست خارجی ایران در آذربایجان،
- ۳- استراتژی پیشنهادی برای سیاست خارجی ایران در ارمنستان،
- ۴- استراتژی پیشنهادی برای سیاست خارجی ایران در گرجستان.

در فصل پایانی نویسنده تلاش می‌کند راهبردها و پیشنهادها را در جهت ارتقا و افزایش امنیت ملی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران ذکر و در این رابطه اشاره می‌نماید که روابط ایران با آذربایجان روابطی پایدار و گسترده نبوده بلکه با تعارض‌هایی هم مواجه بوده است. با اینکه دو کشور ایران و آذربایجان در زمینه‌های

تاریخ، گویش و وجود اقلیت فارس زبان در آذربایجان نکات مشترک خوبی دارند که می‌تواند زمینه را برای روابط مستحکم‌تر برقرار کند اما این دو کشور اختلاف‌های ایدئولوژیکی با یکدیگر دارند. ایران یک کشور ایدئولوژیک شیعی است، در حالی که آذربایجان با اصول سکولاریسم حکومت را اداره می‌کند و آذربایجان کاملاً از استراتژی نزدیکی به غرب به خصوص ترکیه و اسرائیل را پیگیری و در مقابل، ایران استراتژی نزدیکی به روسیه را در برنامه خود دارد و حتی در جولای ۲۰۰۱ ایران از ادامه حرکت یک شناور که در حال عملیات اکتشاف نفت بود جلوگیری کرد و هواپیمای نظامی ایران در بالای آن شناور به پرواز در آمد و آذربایجان آن را تجاوز به حریم دریایی و هوایی خود دانست. یکی از مهمترین استراتژی‌های آذربایجان سخنرانی در باب آذربایجان بزرگ است که زمینه‌های اختلاف ایران و این کشور را فراهم کرده است. در باب روابط ایران با دو کشور قفقاز جنوبی یعنی ارمنستان و گرجستان باید به این نکته اشاره کرد که رابطه ایران با این کشورها بیشتر جنبه اقتصادی و تجاری دارد و تنها در زمینه درگیری ارمنستان و آذربایجان ایران با ایفای نقش میانجی به نزدیکی رأی ایران به منافع ارمنستان باعث خوشحالی و استقبال ارمنستان و رنجش آذربایجان شد. ولی با توجه به علایق دفاعی ایران در قفقاز جنوبی به عنوان بخشی از فلات ایران با پیوستگی سرزمین قفقاز به شمال غربی کشور نقش مهمی را در دفاع یکپارچه ایران ایفا می‌کند. سلسله ارتفاعات قفقاز بزرگ در طول تاریخ همواره به عنوان سدی دفاعی در برابر هجوم قبایل و ارتش‌های گوناگون در سمت شمال برای کشور ایران نقش آفرینی نموده است و جدا شدن قفقاز از ایران علاوه بر نقص ایجاد شده در دفاع ماهیت تهدیدزائی نیز به خود گرفته است و تجاوز روسیه و شوروی در هر دو جنگ جهانی از این جمله است. راهکارهای کاهش نقش عوامل منفی ژئوپلیتیکی در روابط ایران با کشورهای قفقاز جنوبی می‌توان به نکات زیر توجه کرد:

- ۱- عدم تأکید بر وجود تهدیدهای مشترک و عدم ابراز حساسیت نسبت به حضور غرب در منطقه.

- ۲- عدم تبلیغ بر فرهنگ دینی و فرهنگ شیعی به شکل تحریک‌آمیز.
 - ۳- مراقبت از عدم همسوئی شدید با روسیه به علت حساسیت کشورهای منطقه.
 - ۴- خودداری از هرگونه فعالیت مستقیم علیه حاکمیت‌های موجود در منطقه.
- در پایان باید به این نکته توجه کرد که تعمیق وابستگی متقابل میان ایران و قفقاز از طریق ایجاد ساختارهای بلند مدت اقتصادی، ارتباطی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی با در نظر گرفتن ویژگی‌های ژئوپلیتیک منطقه و علایق سایر بازیگران و حرکت به سمت تقویت و تعمیق همکاری‌های منطقه‌ای ایران با کشورهای قفقاز می‌تواند استراتژی مناسبی از سوی ایران در منطقه قفقاز جنوبی باشد.

۴- بررسی نقاط قوت

کتاب حاضر با ارایه یک تحلیل عمیق ژئوپلیتیکی، سیاست خارجی ایران در منطقه قفقاز را مورد بررسی و نقد قرار داده و این نکته را نمایان می‌سازد که ضعف توجه به عوامل ژئوپلیتیکی در تدوین سیاست خارجی ایران در منطقه قفقاز و همچنین ضعف ساماندهی در دستگاه سیاست خارجی ایران، از مهمترین دلایل وقوع روند مزبور می‌باشد. طی بررسی به عمل آمده در این کتاب، نشان داده شده است که هر چند نسبت به برخی از عوامل ژئوپلیتیکی توجه شده، لکن نسبت به تعدادی از عوامل بی‌توجهی رخ داده و حتی بر خلاف ماهیت و کارکرد تعدادی از آنها عمل شده و همچنین تأثیر بحران‌های داخلی منطقه قفقاز و رویکردهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر سیاست خارجی ایران در قفقاز مورد توجه قرار گرفته و به صورت موشکافانه به بررسی تمام عوامل سیاسی و ژئوپلیتیکی منطقه می‌پردازد و سعی می‌نماید فضای منطقه قفقاز جنوبی را برای خواننده شفاف نماید و در این رهگذر هیچ موضوعی را به دست فراموشی نمی‌سپارد و تمامی داده‌های مورد نیاز برای تحلیل مسائل ژئوپلیتیکی را مد نظر می‌گیرد. نگارنده کتاب با توجه به آگاهی‌های ژئوپلیتیکی به طور کلی و نیز مطالعات میدانی که در قالب سفرهای متعدد به منطقه قفقاز انجام داده، به مطالعه عمیقی پیرامون روند تحولات ژئوپلیتیکی این منطقه پرداخته و توانسته است ضمن تجزیه و تحلیل مناسب، در ارایه راهکارهای عملی و واقع‌بینانه، بر نکات مهمی تأکید نماید و علاوه بر اینکه بر ادبیات موجود در زمینه منطقه

قفقاز و روابط خارجی فی‌مابین ایران و آن منطقه را غنای بیشتری بخشیده، توانسته است راهکارهای جالب و بدیعی در بهینه‌سازی روابط ایران با دولت‌های حوزه قفقاز پیشنهاد دهد که توجه و به کار بستن آن می‌تواند در ساماندهی مناسب‌تر روابط خارجی ایران با کشورهای منطقه قفقاز مؤثر افتد.

۵- بررسی نقاط ضعف

این کتاب با تمام نقاط قوت، اما نکات ضعف چندی است که عبارتست از:

۱- این کتاب، حاصل رساله دکترای نویسنده است که در سال ۱۳۸۰ از آن دفاع کرده است که با توجه به موارد ذیل ظاهراً تغییری در تبدیل رساله به کتاب انجام نشده است،

۲- در ابتدای فصل اول نویسنده به تعریف بعضی مفاهیم پرداخته که از لحاظ مباحث روش‌شناسی به تعرف عملیاتی نامگذاری شده و نویسنده باید سعی نماید قبل از شروع بحث، تعریفش را از بعضی مفاهیم روشن نماید تا خواننده هنگامی که با این مفاهیم در متن مواجه می‌شود بداند که مد نظر نویسنده از این مفهوم کدام تعریف می‌باشد. اما تعریف عملیاتی از مفهوم روابط خارجی و یا روابط و تفاوت مفاهیم روابط خارجی و روابط را با سیاست خارجی اشاره نموده در حالی که در فصل سوم کتاب نویسنده استفاده زیادی از مفاهیم روابط خارجی و روابط نموده است.

۳- در فصل چهارم نویسنده به تجزیه و تحلیل داده‌های خود پرداخته و سعی می‌نماید استراتژی‌های متناسب با ژئوپلیتیک منطقه قفقاز برای جمهوری اسلامی ایران را به نگارش در آورد و در همین حین به نظریه همگرایی و وابستگی متقابل اشاره می‌نماید که از لحاظ روش‌شناسی این موضوع مربوط به فصل‌های اولیه کتاب می‌باشد که مباحث تئوریک در آنجا اشاره می‌شود،

۴- برابر اصول روش‌شناسی (متدولوژی) نویسنده باید در فصل پایانی ضمن درج خلاصه‌ای از بررسی‌های خود در فصول قبلی و با استفاده آنها در راه اثبات فرضیه خود نتیجه‌گیری نموده و در نهایت پیشنهادهای عملی خود را ارائه نموده که بر این اساس عمل نشده است.

تهیه و تدوین: عباس عصارى

